

از کجا شروع کنیم؟ در کجا وقف کنیم مقدمه‌ای بر دانش وقف وابتدا

وقف وابتدا علمی است که آشنایی با آن مبتنی بر آشنایی با معانی و تفسیر آیات است، و بدون آشنایی با معانی و تفسیر آیات نمی‌توان در این علم پیشرفت کرد. علمای این فن در مورد انواع و اقسام وقف، اصطلاحات و نام‌های گوناگونی وضع کرده‌اند که در این جا برخی از مشهورترین اصطلاحات آن شرح داده می‌شود.

دکتر حمیدرضا مستفید

اقسام وقف

۲. وقف در محل وقف کافی، جایز است و ابتدا به بعد از آن صحیح است.

۳. وقف در محل وقف حسن، جایز است ولی ابتدا از بعد از آن صحیح نیست، مگر این که وقف حسن در آخر آیه باشد که از نظر بیشتر اهل فن، ابتدا از بعد از آن یعنی آغاز آیه بعدی جایز است.

۴. وقف در محل وقف قبیح، جایز نیست، مگر اضطراراً. ابتدا به بعد از آن نیز صحیح نیست، مگر اضطراراً؛ به جز موردی که وقف قبیح در آخر آیه باشد که در این مورد اختلاف نظر وجود دارد. بعضی مثل **ابن الجزری**، حتی در این مورد نیز آن را جایز نمی‌دانند، مگر اضطراراً؛ مثل «فویل للمصلین» در سوره‌ی ماعون.

وقف یا اختیاری است یا اضطراری. «وقف اختیاری» را در سه مورد می‌توان انجام داد:

۱. **وقف تام:** مطلب فی نفسه کامل و معنای قابل فهم و صحیحی نداشته باشد و در ضمن هیچ تعلقی - نه از نظر لفظ و نه از نظر معنی - به بعد خود نداشته باشد.

۲. **وقف کافی:** مطلب فی نفسه کامل و معنای قابل فهم و صحیحی داشته باشد، ولی فقط از نظر معنی به بعد از خود تعلق و ارتباط داشته باشد. در این مورد ارتباط لفظی وجود ندارد.

۳. **وقف حسن:** مطلب فی نفسه کامل و معنای قابل فهم و صحیحی داشته باشد، ولی از نظر لفظی به بعد از خود تعلق و با

مثال‌هایی برای اقسام چهارگانه‌ی وقف

الف: وقف تام

این وقف در جایی که مطلب تام و تمام باشد، مانند انتهای قصه‌ها، به کار می‌رود؛ اعم از این که:

۱. در پایان آیات باشد، مثل:

• وقف در «بسم الله الرحمن الرحيم» و ابتدا از «الحمد لله رب العالمین».

• وقف در «مالک یوم الدین» و ابتدا از «یاک نعبد و یاک نستعین».

• وقف در «ولئنک هم المفلحون» و ابتدا از «ان الذین کفروا».

۲. در وسط آیه و قبل از انتهای آیه باشد، مثل:

• «و جعلوا اعزّه اهلها اذله» (سوره‌ی نمل) که پایان نقل کلام بلقیس است، و ابتدا از «و كذلك یفعلون» که شروع کلام خداوند است (بنا بر یک تفسیر).

• «لقد اضلّنی عن الذکر بعد اذ جانی» (سوره‌ی فرقان). که انتهای کلام شخص گنهکار است و ابتدا از «و کان الشیطان للانسان خذولاً» که گفته‌ی خداوند است.

۳. یک کلمه بعد از اتمام آیه باشد، مثل:

• «و انکم لتمرّون علیهم مصبحین» (سوره‌ی صافات) که آخر آیه است، ولی مطلب ناتمام است و تمام مطلب در کلمه‌ی اول از آیه‌ی بعدی است، یعنی «و باللیل»، که وقف بر «مصبحین» حسن و در «باللیل» تام است.

• «و سرراً علیها یتکئون» (سوره‌ی زخرف) که آخر آن است «و زخرفاً» که تمام مطلب و ابتدای آیه‌ی بعدی است.

در پایان قصه‌ها مثل سوره‌ی شعراء، بعد از اتمام هر یک از داستان‌های انبیا و نیز بعد از «و ان ربک لهو العزیز الرحیم» که چند بار تکرار شده است، و گاه، در مقایسه‌ی دو وقف که هر دو تام هستند، یکی را از دیگری تام تر (اثم) خواهیم دید؛ مثل «مالک

**وقف و ابتدا علمه
است که آشنایه با
آن مبتنی بر آشنایه با
معان و تفسیر آیات
است، و بدون آشنایه
با معان و تفسیر آیات
نمی‌توان در این علم
پیشرفت کرد**

آن ارتباط داشته باشد که طبعاً از نظر معنی نیز با بعد از خود مرتبط است.

«وقف اضطراری» در موردی است که مطلب فی نفسه کامل نباشد و معنای قابل فهم و یا صحیح نداشته باشد و برای کامل شدن به بعد از خود نیاز داشته باشد و یا معنا، کاملاً غلط باشد؛ هر چند فی نفسه کامل باشد (**وقف قبیح**).

توضیح: وقف اضطراری در مواردی از قبیل اتمام نفس، سرفه و ... صورت می‌پذیرد.

حکم اقسام چهارگانه‌ی وقف

۱. وقف در محل وقف تام، جایز است و ابتدا به بعد از آن صحیح است.

یوم‌الدین» و «ایاک نستعین» که اولی از دومی اتم است.

در این مورد نیز می‌توان مانند وقف‌های اتم و اکفی، وقف «احسن» را فرض کرد.

ب) وقف کافی

این وقف نیز هم در اواخر آیات و هم در اواسط آیات مصداق دارد، مثل:

- وقف در «مما رزقناهم ینفقون» و ابتدا از «والذین یؤمنون».
- وقف در «من قبلک» و ابتدا از «و بالآخره».
- وقف در «علی هدی من ربهم» و ابتدا از «و اولئک».
- وقف در «یخادعون الله والذین آمنوا» و ابتدا از «و ما یخدعون الانفسهم».
- وقف در «و ما یخدعون الانفسهم» و ابتدا از «و ما یشعرون».
- وقف در «انما نحن مصلحون» و ابتدا از «الا انهم هم المفسدون».
- وقف در «فی قلوبهم مرض» و ابتدا از «فزادهم الله مرضا».

زیرا در تمام این مثال‌ها مطلب کاملاً مفهوم است و جمله‌ی بعد از محل وقف کلامی است که هرچند از نظر معنی به قبل از خود مرتبط است، ولی از نظر لفظی مستقل است و نیازی به جمله‌ی قبلی ندارد؛ یعنی مثلاً صفت کلمه‌ی پیش از خود، مضاف‌الیه کلمه‌ی پیش از خود، و یا بدل یا عطف بیان کلمه‌ی پیش از خود نیست.

وقف کافی نیز مثل تام، مراتبی دارد. لذا ممکن است دو وقف کافی باشند، ولی یکی از دیگری کافی‌تر (اکفی) باشد؛ مثل وقف در «فی قلوبهم مرض» که کافی است، ولی در «فزادهم الله مرضا» اکفی است.

ج) وقف حسن

این وقف نیز هم در آخر آیه مصداق دارد و هم در وسط آیه. با این تفاوت که حکم وقف حسن در آخر آیه، با حکم این وقف در وسط آیه متفاوت است، و همان‌طور که گذشت، بیشتر علمای فن وقف و ابتداء، شروع از مابعد وقف حسنی که آخر آیه قرار دارد را جایز می‌دانند.

مثال برای وقف حسن آخر آیه:

- وقف در «رب‌العالمین» و ابتدا از «الرحمن الرحیم».
- وقف در «الرحمن الرحیم» و ابتدا از «مالک یوم‌الدین».
- مثال برای وقف حسن وسط آیه:
- وقف در «بسم‌الله» و ابتدا از «الرحمن الرحیم» که جایز نیست.
- وقف در «الحمد لله» و ابتدا از «رب‌العالمین» که جایز نیست.
- وقف در «انعمت علیهم» و ابتدا از «غیرالمغضوب علیهم» که جایز نیست.

د) وقف قبیح

وقف قبیح در مواردی است که:

- الف) معنی کامل و مفهوم نباشد، مثل: «بسم، صراط‌الذین، ... قل لو کان البحر مداداً لکللمات ربی ...» (سوره‌ی کهف).
- ب) معنی غلط و ناصحیح باشد، هرچند که کامل باشد، مثل: «انما یتستحب الذین یسمعون والموتی» [انعام/۳۶].
- «ان الله لا یتحیی» (سوره‌ی بقره).
- «فویل للمصلین» (سوره‌ی ماعون، بنا بر قول بعضی مثل ابن‌الجزری).

**«وقف اضطراری»
در موردی است که
مطلب فی‌نفسه
کامل نباشد و معنای
قابل فهم و یا صحیح
نداشته باشد و برای
کامل شدن به بعد از
خود نیاز داشته باشد**

در این مورد نیز می‌توان وقف «قبیح» را فرض کرد؛ مثل دسته‌ی «ب» نسبت به دسته‌ی «الف».

ارتباط علائم مشهور وقف با اقسام چهارگانه‌ی وقف

لازم به ذکر است که علائم «قلی»، «صلی»، «ج»، «لا»، «م»، ارتباط مستقیمی با اقسام چهارگانه‌ی ذکر شده ندارند. این علامات‌ها، اوایل قرن ۱۴ هجری قمری در مصر پیشنهاد شدند و مورد عمل قرار گرفتند و به هیچ وجه ناظر بر اقسام چهارگانه‌ی

در آیات طولانی و جمله‌های معترضه وامثال آن و در حال قرائت به تحقیق، می‌توان در بعضی از موارد از بعد از وقف حسن ابتدا کرد و نیازی به بازگشت به ماقبل نیست

توضیح: در مورد اول، چنان‌چه بر کلمه‌ی «قوماً» وقف کنیم، وقف قبیح صورت گرفته است. در مورد دوم، وقف بر کلمه‌ی «زکوة» قبیح نیست، ولی شروع بلافاصله از «بخافون» صحیح نیست، مگر اضطراراً و به خاطر طولانی بودن آیه از باب وقف مرخص (که در مطلب بعد اشاره خواهد شد).

وقف مرخص

در آیات طولانی و جمله‌های معترضه و امثال آن و در حال قرائت به تحقیق، می‌توان در بعضی از موارد از بعد از وقف حسن ابتدا کرد و نیازی به بازگشت به ماقبل نیست. چنین وقف‌هایی - طبق اصطلاح سجاوندی که ابن‌الجزری نیز آن را پذیرفته است^۴ - وقف «مرخص ضروره» نامیده می‌شود. این نوع وقف در واقع ابتدای مرخص است، ولی اصطلاحاً وقف مرخص گفته می‌شود. منظور از مرخص این است که این وقف (یا بهتر بگوییم این ابتدا) پسندیده نیست، ولی به علت طولانی بودن آیه و عدم امکان بازگشت به قبل، رخصت و اجازه داده می‌شود که از محل بعد از وقف، تلاوت مجدداً آغاز شود.

از جمله امثال‌های خوبی که برای وقف مرخص می‌توان ذکر کرد، آیه‌ی ۱۷۷ سوره‌ی بقره است که وقف در «المغرب»، «النبیین»، «الزکاة» و «عاهدوا»، طبق تصریح ابن‌الجزری، وقف مرخص است. علامت این معمولاً «ص» است. و نیز شاید از جمله موارد این وقف (که در قرآن مصادیق زیادی دارد) بتوان آیه‌ی ۱۳ سوره‌ی شوری را مثال زد که در بعضی مصاحف روی کلمه‌ی «عیسی» علامت «صلی» گذاشته شده است.

وقف نیستند؛ هر چند بعضی سعی داشته‌اند یا دارند که این علائم را به نحوی با اقسام چهارگانه مرتبط سازند و مثلاً اصرار می‌ورزند که «قلی» علامت وقف تام است و «صلی» وقف کافی و... و حال آن‌که با مختصر دقتی که در مواضع این علائم به راحتی درمی‌یابیم که واضعین این علائم، تقسیم چهارگانه‌ی معروف را مدنظر قرار نداده‌اند.

برای مثال، علامت «م» هم برای وقف تام به کار رفته است و هم برای وقف کافی و حتی برای وقف حسن^۳:

- مثال وقف تام که علامت «م» دارد: «و لا یحزنک قولهم^۴ ان العزة لله جمیعاً» [یونس/۶۵].
- مثال وقف کافی که علامت «م» دارد: «زین للذین کفروا الحیة الدنیا و یسخرون من الذین امنوا^۴ والذین اتقوا فوفهم یوم القيامة» [بقره/۲۱۲].
- مثال وقف حسن که علامت «م» دارد (در مصاحفی که علائم سجاوندی دارد): «الم تر الی الملا من بنی اسرائیل من بعد موسی^۴ اذ قالوا لنبی لهم...» [بقره/۲۴۶].

توضیحی در مورد علامت «لا»

۱. این علامت گاهی به معنی «لا تقف علی ماقبله» و نشانه‌ی وقف قبیح است، مثل: «و اذ قالت امه منهنم لم تعظون قوماً^۴ الله مهلكهم» [اعراف/۱۴۶]

۲. گاهی به معنای «لا تبدأ بما بعده» و نشانه‌ی وقف حسن است، مثل: «رجال لاتلهیهم تجارة و لا بیع عن ذکر الله و اقام الصلوة و ابتناء الزکوة^۴ یخافون یوماً تقلب فیه القلوب و الابصار» [نور/۳۷].

وقف برای بیان معنای مقصود

از جمله‌ی موارد وقف که بسیار پسندیده محسوب می‌شود، مواردی است که اگر وقف نشود، معنایی خلاف مقصود را به ذهن مخاطب القا می‌کند و لذا بهتر است که در آنجا وقف صورت گیرد. در واقع، وقف لازم زیرمجموعه و مصداقی است از این نوع وقف. از جمله‌ی این موارد که حتی بعضی از علما - طبق نقل ابن‌الجزری - آن را وقف لازم نیز دانسته‌اند، آیه‌ی ۹ سوره‌ی فتح روی کلمه‌ی «توقروه» است، تا این توهم پیش نیاید که ضمیر «تسبحوه» همان ضمیر در «تعزروه و توقروه» است؛ در حالی که ضمیر در «تسبحوه» به «الله» و در دو فعل دیگر به رسول اکرم «ص» برمی‌گردد.

از دیگر آیاتی که می‌توان قسمت‌هایی از آن را مصداقی از وقف مرخص دانست، آیه‌ی ۳۵ سوره‌ی نور است. به این ترتیب که در کلمه‌ی «دری» وقف و از کلمه‌ی «یوقد» ابتدا کنیم. چون اگر «دری» را به «یوقد» وصل کنیم، ممکن است این ایهام ایجاد شود که «کوکب دری» از درخت مبارک زیتون روشنایی می‌گیرد. در حالی که ظاهراً منظور این است که «مصباح» از روغن درخت مبارک زیتون روشن می‌شود و به اصطلاح، ضمیر «یوقد» به «مصباح» برمی‌گردد، نه به «کوکب دری».

وقف در رؤوس آیات

علما اعم از شیعه و سنی - وقف در رؤوس آیات را نیکو و جایز شمرده‌اند، به‌جز در موارد وقف قبیح؛ مثل «فویل للمصلین» که مورد آن اختلاف نظر وجود دارد (برای مثال ابن‌الجزری آن را جایز ندانسته است). نکته‌ای که در این‌جا شایسته است بدان توجه شود، مسئله‌ی محل انتهای آیه است. بین علوم قرآنی، علمی هست که با توجه به روایات و اقوال علمای سلف (اعم از صحابه یا تابعین) متکفل بیان انتهای آیات است و این علم به نام «علم الفواصل» نامیده می‌شود. فواصل جمع فاصله، و منظور از فاصله آخر آیه است.

در علم فواصل هفت روش برای بیان محل آخر آیه ذکر کرده‌اند:

۱. روش اهل کوفه: عَدّ کوفی
- ۲ و ۳. روش اهل مدینه: عَدّ مدنی مدنی اول
- مدنی اخیر
۴. روش اهل مکه: عَدّ مکی
۵. روش اهل بصر: عَدّ بصری
۶. روش اهل دمشق: عَدّ دمشقی
۷. روش اهل حمص: عَدّ حمصی

لذا در وقف بر رؤوس آیات، قاری باید «عَدّ» را مدنظر داشته باشد. مثلاً آیه‌ی ۲۱۹ سوره‌ی بقره - در عَدّ کوفی - به «لعلمکم تتفکرون» ختم می‌شود، و چون رأس الایه است، وقف در آن جایز است و ابتدا از «فی الدنيا و الاخرة» - هرچند فی‌نفسه قبیح است - از آن‌جا که ابتدای آیه‌ی بعدی است، جایز محسوب می‌شود (به شرط وقف در «آخرة» و عدم وصل به «ویسئلونک»). ولی در عَدّ مدنی اول، «تتفکرون» رأس الایه نیست، و لذا وقف بر آن «حسن» ولی ابتدا به مابعد آن جایز نیست.

از موارد دیگر که مصداقی برای این قاعده دانسته می‌شود، ابتدای سوره‌ی شوری است که حروف مقطعه‌ی آن جدا نوشته شده است («حم» و «عسق») و «بعضی از علما گفته‌اند، جایز نیست که روی «حم» وقف کرد و از «عسق» ابتدا نمود. زیرا این دو، در حکم یک کلمه هستند». این مطلب در تمامی عَدّ‌ها به‌جز عَدّ کوفی و حمصی قابل قبول است. به عبارت دیگر، در عَدّ کوفی و حمصی که هر یک از دو بخش این حروف، یک آیه تلقی شده‌اند، می‌توان گفت: وقف بر «حم» نیز جایز شمرده می‌شود، چون رأس آیه است (هرچند نگارنده تصریحی در این‌باره ندیده است).

در پایان ذکر این نکته‌ی اساسی ضرورت دارد که گاهی در شیوه‌ی برخی قرآ و حتی قاریان مصری مشاهده می‌کنیم، بدون هیچ توجیه صحیح علمی بر سر کلمه‌ای وقف می‌کنند و با برگشت به چند کلمه‌ی قبل، به تصور اتصال عبارات به یکدیگر، ابتدا می‌کنند. به اصطلاح مضمون آیه را تکه و پاره می‌نمایند که این شیوه به هیچ‌وجه قابل توجیه نیست. برای مثال، در آیه‌ی ۲۲ سوره‌ی بقره ممکن است قاری بعد از اتمام نفس بر کلمه‌ی «بناءً» وقف کند که در این صورت یا باید دوباره به ابتدای آیه برگردد و ابتدا کند و یا از باب وقف مرخص (یا بهتر بگوییم ابتدای مرخص) از «و انزل» ابتدا کند. چنان‌چه از «و السما بناءً» شروع کند، در واقع یک تکه از جمله‌ی قبلی را به ابتدای جمله‌ی بعد وصل کرده است که اصلاً صحیح نیست.

پی‌نوشت

۱. مطالب این بخش، خلاصه و چکیده‌ای است از کتاب «النشر فی القراءات العشر»، تصحیح علی محمد ضباع، بخش الوقوف و الابتداء، ج ۱، ص ۲۳۰-۲۲۴.
۲. هرچند ممکن است در مسابقات، این مثال‌ها را مثال وقف حسن بدانند!
۳. النشر فی القراءات العشر، تصحیح علی محمد ضباع، ج ۱، ص ۲۳۳-۲۳۲.
۴. النشر فی القراءات العشر، تصحیح علی محمد ضباع، ج ۱، ص ۲۳۶.
۵. النشر فی القراءات العشر، تصحیح علی محمد ضباع، ج ۱، ص ۲۳۳.
۶. البدور الزاهره، ص ۲۸۵.